

## آزادگی

شاعر: عبدالرحمن جامی

قالب شعر: مثنوی

آثار: بهارستان، نفحات الانس

## بیت اول:

خارکش پیری با دلخ درشت      پشته‌ای خار همی برد به پشت

دلخ: لباس پشمی که فقیران می‌پوشند      درشت: زبر، خشن

نثر روان: پیرمرد خارکشی با لباس پشمین، تعداد زیادی خار بر پشتش گذاشته بود و حمل می‌کرد.

پشت و پشته: ← جناس

## بیت دوم:

لنگ لنگان قدمی برمی‌داشت      هر قدم، دانه شگری می‌کاشت

نثر روان: لنگ لنگان راه می‌رفت و هر قدمی که برمی‌داشت، خدا را شکر می‌گفت.

دانه شکر: ← شکرگزاری به کاشتن دانه تشبیه شده است.

## بیت سوم:

کای فرازنده این چرخ بلند      و ای نوازنده دل‌های نژند

فرازنده: بلند کننده      نوازنده: نوازشگر      نژند: اندوهگین      چرخ بلند: آسمان

نثر روان: که ای بلند کننده آسمان و ای نوازشگر دل‌های غمگین.

## بیت چهارم:

کنم از جیب، نظر تا دامن      چه عزیزی که نکردی با من

جیب: یقه      عزیزی: ارجمندی

نثر روان: وقتی از سر تا پای خود را نگاه می‌کنم، می‌بینم که همه نوع بزرگواری در حقم کرده‌ای.

## بیت پنجم:

در دولت به رخم بگشادی      تاج عزت به سرم بنهادی

دولت: خوشبختی      عزت: ارجمندی

نثر روان: در خوشبختی را به رویم باز کردی و بزرگی را مانند تاج بر سر من گذاشتی. (به من بزرگی دادی)

تاج عزت: ← عزت به تاج، شبیه شده است.

## بیت ششم:

حد من نیست ثنایت گفتن      گوهر شکر عطایت سفتن

🌻 ثنا: شکر، سپاس      🌻 عطا: بخشش      🌻 سفتن: سوراخ کردن، ساییدن

نثر روان: من در حدی نیستم که بتوانم تو را به خوبی ستایش کنم و از عهده شکرگزاری نعمت‌های تو برآیم.

## بیت هفتم:

نوجوانی به جوانی مغرور      رخس پندار همی راند ز دور

🌻 پندار: اندیشه، خیال، غرور      🌻 رخس: اسب

نثر روان: نوجوانی که به جوانی خودش مغرور بود، در حالی که اسبِ غرور را می‌راند، به پیر مرد نزدیک شد.

🌻 رخس پندار: ← تشبیه ( فکر و خیال به اسب تشبیه شده است )

## بیت هشتم:

آمد آن شکر گزاریش به گوش      گفت کای پیر خرف گشته، خموش

🌻 خرف: کم عقل      🌻 خموش: ساکت باش

نثر روان: شکرگزاری پیرمرد به گوش جوان رسید و گفت: ای پیرمرد نادان، ساکت باش.

## بیت نهم:

خار بر پشت، زنی زین سان گام      دولتت چیست؟ عزیزیت کدام؟

🌻 زین سان: اینگونه      🌻 گام: قدم      🌻 دولت: خوشبختی

نثر روان: خار بر پشت نهاده‌ای و اینگونه به سختی راه می‌روی، خوشبختی‌ات چیست و عزیزیت‌ات کدام است؟

## بیت دهم:

عزت از خواری نشناخته‌ای      عمر در خارکشی باخته‌ای

🌻 خواری: ذلت، پستی

نثر روان: تفاوت بین بزرگی و ذلت و خواری را نمی‌دانی و عمرت را در خارکشی از دست داده‌ای.

🌻 عزت و خواری: ← تضاد      🌻 خوار و خار: ← جناس

## بیت یازدهم:

پیر گفتا که چه عزت زین به؟ که نی‌ام بر در تو بالین نه

بالمین: بستر، جای خواب

نثر روان: پیرمرد گفت: چه عزتی بالاتر از این که جای خوابم را کنار خانه تو پهن نمی‌کنم.

نی‌ام بر در تو بالین نه: ← کنایه از محتاج نبودن

## بیت دوازدهم:

کی فلان چاشت بده یا شامم نان و آبی که خورم و آشامم

چاشت: نهار، غذای ظهر

نثر روان: که ای فلانی به من نهار یا شام بده و یا نان و آبی بده که بخورم و بیاشامم

## بیت سیزدهم:

شکر گویم که مرا خوار نساخت به خسی چون تو گرفتار نساخت

خس: شخص پست و بی ارزش

نثر روان: خدا را شکر می‌گویم که مرا ذلیل و خوار نساخت و مرا به شخص پستی مثل تو گرفتار و نیازمند نکرد.

واج آرایی: ← حرف خ

## بیت چهاردهم:

داد با این همه افتادگی‌ام عز آزادی و آزادگی‌ام

افتادگی: فروتنی آزادی: رهایی عز: ارجمندی، عزیز شدن

نثر روان: خداوند با تمام فقر و ناتوانی که دارم، به من سربلندی، آزاد بودن و بی‌نیازی بخشید.

واج آرایی: ← حرف ز

## دانش ادبی: قالب مثنوی

مثنوی یا دوتایی: قالب شعری است که هر بیت، قافیه‌ای جداگانه دارد. شعرهایی که در قالب مثنوی سروده می‌شوند معمولاً بلند و طولانی هستند.

### مهم‌ترین مثنوی‌های فارسی:

شاهنامه فردوسی، بوستان سعدی، مثنوی مولوی، لیلی و مجنون نظامی

طرز قرار گرفتن قافیه در قالب شعر مثنوی:



مثال:

|   |                           |
|---|---------------------------|
| پس یاد بگیر، هر چه گویم {جویم، گویم: قافیه}     | زین گفته، سعادت تو جویم   |
| وز خواب سحرگهان بپرهیز {سحر خیز، بپرهیز: قافیه} | می‌باش به عمر خود سحر خیز |
| آماده خدمتش به جان باش {مهربان، جان: قافیه}     | با مادر خویش، مهربان باش  |

**چنان که می‌بینید هر بیت، قافیه‌ای جداگانه دارد.**